

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۴۰۱، ص ۵۵۱-۵۷۲

## بررسی جبران خسارات ناشی از به هم زدن نامزدی و استرداد هدایا از منظر فقه امامیه، فقه حنفی و حقوق مدنی افغانستان

محمدزکی علیزاده<sup>۱</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>

چکیده

پس از ایجاد توافق نامزدی و در طول دوران مذکور، داماد و خانواده اش، برای جلب نظر عروس و خانواده ی او و نیز به هدف تحقق ازدواج، سرمایه های زیادی را به مصرف می رساند و عروس نیز با ورود به توافق نامزدی، فرصت انتخاب های دیگر را پس از به هم خوردن نامزدی از دست می دهد. علاوه بر این، هدایای نیز از سوی داماد و خانواده اش به عروس و خانواده ی وی و برعکس، اهداء می گردد. سؤال اساسی حاضر این است که پس از به هم خوردن نامزدی، چه نوع خساراتی قابل جبران بوده و هدایای نامزدی تحت چه شرایطی قابل استرداد می باشد؟ در پاسخ به همین ضرورت فقهی و حقوقی، دیدگاه فقه امامیه و قانون احوال شخصیه ی شیعیان افغانستان را از یک سو و نظر فقه حنفی و حقوق مدنی افغانستان را از جانب دیگر به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یازیده است که فقه و حقوق اسلامی، به هم زنده نامزدی را مسئول جبران خسارات ناشی از به هم زدن نامزدی دانسته و

---

۱. دانش آموخته حوزه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، پژوهشگر و نویسنده

مسئول، alizada.zaki@yHoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم،

kariminia@quran.ac.ir

هدایای رد و بدل شده میان نامزدها را قابل استرداد می‌داند. یعنی بر اساس قواعد فقهی مانند قاعده‌ی لاضرر، تسبیب، غرر و ممنوعیت سوء استفاده از حق و قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق، می‌توان فردی که با سوء استفاده از حق، نامزدی را بدون دلیل منطقی، به هم زده و موجب ضرر دیگری شده است را مسئول دانست و حکم به الزام وی به جبران خسارت‌های مذکور داد. زیرا نامزد خاطی، سبب مستقیم زیان‌های محسوب می‌گردد که طرف دیگر به امید ازدواج با او متحمل آن زیان‌ها شده است. هدایای نامزدی نیز بلا تردید قابل استرداد می‌باشد.

کلید واژه‌ها: خسارات مادی، خسارات معنوی، هدایای نامزدی، استرداد هدایا.

مقدمه

هرگاه یکی از نامزدها بدون دلیل موجه، توافق نامزدی را به هم بزند و از این طریق خسارات مادی و معنوی را به طرف دیگر توافق نامزدی وارد نماید، فقه و حقوق اسلامی او را ملزم به جبران خساراتی که سبب مستقیم آن‌ها اقدامات وی بوده است، می‌داند؛ چه نوع خساراتی پس از به هم خوردن نامزدی قابل جبران است و هدایای دوران نامزدی، چگونه قابل استرداد می‌باشد؟ این مقاله، در پاسخ به دو پرسش فوق از منظر فقه امامیه و فقه حنفی و حقوق مدنی افغانستان به صورت توصیفی - تحلیلی پرداخته و به نتایج بدیعی دست یافته است.

#### ۱. خسارات قابل جبران پس از به هم خوردن توافق نامزدی

ابتدا باید دانست که خسارات قابل مطالبه پس از به هم خوردن نامزدی، به دو بخش عمده‌ی خسارات مادی و خسارت‌های معنوی تقسیم می‌شود که هر یک را به صورت جدا گانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱-۱. خسارت‌های مادی پس از به هم خوردن نامزدی

در جامعه هدف این تحقیق، یعنی افغانستان، مخارج و هزینه‌های بی‌شماری در دوران نامزدی، از سوی پسران که نامزد شده‌اند، انجام می‌گیرد که خروج بی‌دلیل دختر نامزد شده از توافق نامزدی، از این جهت می‌تواند خسارات معتنا بهی را به پسران مذکور، تحمیل نماید. خساراتی مانند: مخارج جشن نامزدی؛ خرید هائیی که در دوران نامزدی توسط طرف پسر صورت می‌گیرد؛ و مبلغ کلانی که پدر عروس از داماد، به صرف دادن دخترش می‌گیرد!

در اینجا قصد داریم، کلیه‌ی خسارات مادی قابل مطالبه را تحت عنوان «مخارج نامزدی» و «قلین» مورد بررسی قرار دهیم و نحوه‌ی جبران آن‌ها را به اختصار تحلیل نماییم.

#### ۱-۱-۱. مخارج نامزدی

پس از قبول خواستگاری و در طول دوران نامزدی، مخارج سنگینی از طرف داماد و خانواده‌ی وی به اتکای ازدواج در آینده انجام می‌گیرد: اجاره کردن خانه، تهیه وسائل زندگانی، خرید جهیزیه، تهیه

لباس‌های گران‌قیمت برای عروس و اطرافیان او و برپایی محافل جشن و سرور از جمله مخارجی است که بر مبنای عرف مردم افغانستان، توسط داماد به انجام می‌رسد. هزینه‌های مذکور که تماماً به امید وقوع ازدواج در آینده انجام می‌شود را می‌توان «هزینه‌های اتکایی» نام نهاد. هزینه‌های اتکایی که به شرط بنایی در فقه نزدیک است، به مخارجی اطلاق می‌گردد که اگر امید به ازدواج در آینده نمی‌بود، چنین هزینه‌های اساساً توسط پسر نامزدشده، انجام نمی‌گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۹هـ.ق، ص ۱۸۷). پسر نامزدشده به امید اینکه نامزدش به توافق نامزدی پایبند می‌ماند و در آینده هردو زیر یک سقف زندگی خواهند کرد، اقدام به تهیه‌ی اسباب و وسایلی زندگی تحت عنوان خرید جهیزیه با قیمت گزاف می‌نماید؛ حال اگر توافق نامزدی به ازدواج ختم گردد، هزینه‌های انجام شده به هدف خود رسیده است، اما اگر دختر نامزدشده و خانواده‌اش، بدون دلیل موجه، نامزدی را به هم بزند، وسایل مذکور، مورد استفاده منظور قرار نگرفته و به قیمت کمتر بفروش می‌رود و از این ناحیه، خسارات مادی زیادی بر پسر نامزد شده تحمیل می‌گردد که فقه و حقوق هرگز عدم جبران آن را قبول نخواهد کرد.

بر همین اساس است که فقیه و فیلسوف معاصر امامیه، با توجه به خسارات ناشی از به هم خوردن نامزدی، بیان قاطعی در مورد ضمان به هم‌زننده نامزدی و لزوم جبران زیان‌های نامزد زیان‌دیده داشته و می‌نویسد: «نه تنها طرف متخلف، ضامن مخارجی که شخص نامزد متحمل شده است می‌باشد، ضامن مخارج ابوبن یا اشخاص دیگر نیز می‌باشد» (مطهری، بی‌تا، ص ۵۶).

ایشان مستند حکم فقهی مذکور را قاعده‌ی غرور و تسبیب می‌دانند؛ زیرا از نظر ایشان، دختر و خانواده‌اش با قبول خواستگاری و توافق بر نامزدی، باعث می‌شوند تا داماد، مخارجی را برای رسیدن به ازدواج در آینده و تأسیس زندگی مشترک انجام دهد. بدین جهت، سبب انحصاری این نوع غرر و ضرر، دختر نامزدشده و خانواده‌ی وی می‌باشد. به بیان علامه حلی، اگر توافق نامزدی و وعده‌ی ازدواج در آینده نمی‌بود، مخارج یاد شده از سوی پسر هرگز انجام نمی‌شد. ایشان در این زمینه قاعده‌ی کلی ارائه نموده و نوشته است: «و ضابطها ما لولاه لما حصل التلف؛ تسبیب در جای محقق می‌شود که اگر عامل زیان نبود، ضرری به وقوع نمی‌پیوست» (حلی (محقق)، ۱۴۰۸هـ.ق/ ۴: ص ۲۳۷).

اگر توافق نامزدی نمی‌بود، از مراسم گرفتن‌ها، حلقه نشان کردن‌ها، مجالس جشن و مهمانی‌ها نیز خبری نبود. لذا تمام مخارج دوران نامزدی به اتکا و امید ازدواج در آینده انجام می‌شود و سبب آن نیز دختری است که با امیدوار کردن پسر، وی را وادار به چنین هزینه‌های سنگینی می‌نماید.

فقه حنفی نیز مسبب، مقصر و غار را ضامن دانسته است. بنابراین و بر اساس نظریه‌ی فقه حنفی نیز، دختری که بلاجهت از توافق نامزدی خارج شده و خسارات زیاد مادی را به طرف دیگر نامزدی تحمیل

نموده است، ملزم به جبران مخارجی است که توسط طرف دیگر نامزدی، هزینه شده است؛ زیرا به هم زدن نامزدی به استناد قواعدی چون تقصیر، غرور و تسبیب مسئولیت مدنی داشته و ضامن است.

عبارت کاسانی حنفی در این زمینه جامع و گویا می باشد. وی نوشته است:

«فَلَا شَكَّ أَنَّ الْإِثْلَافَ سَبَبٌ لَوْجُوبِ الضَّمَانِ عِنْدَ اسْتِجْمَاعِ شَرَائِطِ الْوُجُوبِ؛ لِأَنَّ إِثْلَافَ الشَّيْءِ إِخْرَاجُهُ مِنْ أَنْ يَكُونَ مُنْتَفَعًا بِهِ مِنْفَعَةً مَطْلُوبَةً مِنْهُ عَادَةً، وَ هَذَا اعْتِدَاءٌ وَ إِضْرَارٌ؛

در اینکه اتلاف، با تحقق جمیع شرایط ضمان، سبب ضمان می شود، شکی وجود ندارد؛ زیرا اتلاف یک شیء، خارج کردن آن شیء از مدار انتفاع مطلوب از آن شیء می باشد که مصداق تعدی و اضرار است» (کاسانی، ۱۴۰۶ هـ ق/ ۷: ص ۱۶۷).

با توجه به عبارت فوق، خساراتی که به پسر نامزدشده به خاطر خروج بلاوجه دختر نامزدشده از توافق نامزدی، وارد می گردد، نیز مصداق تعدی، اتلاف و اضرار بوده و موجب ضمان و مسئولیت نسبت به دختر مذکور می باشد؛ زیرا سبب اتلاف تمام مخارج که توسط پسر نامزدشده انجام شده است، اقدامات دختر نامزدشده در دوران نامزدی، است و اوست که با ورود به توافق نامزدی، سبب مصرف اموال طرف دیگر نامزدی شده و موجبات اضرار به وی را فراهم نموده است. (احمد السنهوری، ۲۰۰۰ م: ص ۹۳۷؛ مرقس، ۱۹۹۲/ ۱: ص ۳۶).

دکترین حقوق اسلامی نیز مخارج متعارفی که نامزد و اطرافیان او به اتکا و اعتماد وقوع ازدواج در آینده انجام داده اند را قابل مطالبه می داند (امامی، بی تا/ ۴: ص ۲۷۳؛ طاهری، ۱۴۱۸ هـ ق/ ۳: ص ۴۷). مقصود از مخارج متعارف، هزینه های لازمی است که پسران نامزدشده با توجه به توان مالی و مکانیت خانوادگی و شأن اجتماعی دختر نامزدشده انجام می دهد و هدف او از این هزینه های مالی، رسیدن به ازدواج با آن دختر در آینده است. گرفتن مراسم، اجاره کردن خانه، تهیه وسایل زندگی، تهیه لباس های گران قیمت، خرید شیرینی و میوه و امثال آن از مخارج متعارف دوران نامزدی است. بدیهی است که سبب مستقیم این هزینه های هنگفت و سنگین، اقدامات و رفتار فریبکارانه ی دختر نامزدشده و خانواده وی می باشد (احمد السنهوری، ۲۰۰۰ م: ص ۹۹۰).

حقوق دانان اسلامی اتفاق دارند: «در صورتی که امتناع کننده از وصلت، عصبانی و بد خلق و یا دارای سوء ظن است و در اثر این حالت وصلت با نامزد خود را بر هم زده است، بدون علت موجه می باشد و کسی که نامزدی را بر هم می زند، باید خسارت نامزد دیگر را که در اثر وعده ازدواج متحمل شده بدهد، زیرا او سبب توجه خسارت به طرف خود شده است» (امامی، بی تا، ص ۴۷).

بنابراین، اگر در دوران نامزدی، شخصی در اثر گفتار یا رفتار فرد دیگر، بر بسته شدن قرارداد ازدواج در آینده امیدوار گشته و به این امید، هزینه های را متحمل شود و به خاطر عدم وقوع ازدواج در آینده، این

مخارج بی نتیجه بماند، زیان دیده حق دارد زیان‌های اتکایی خود را از کسی که نامزدی را به هم زده است، مطالبه نماید (احمدی، ۱۳۱۶: ص ۳۶۴؛ احمد السنهوری، ۲۰۰۰م: ص ۹۳۷؛ مرقس، ۱۹۹۲م. ص ۳۶).

قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان نیز در گامی جلوتر از قانون مدنی، در ماده «۷۸» به صراحت کامل، مقرر کرده است که: «هرگاه یکی از نامزدان، قرارداد نامزدی را بدون دلیل قانونی و یا عذر موجه بعد از قبولی، فسخ کند، مکلف به پرداخت مخارج ضروری می‌باشد که برای مقدمات ازدواج از جانب مقابل به اعتبار وقوع ازدواج مصرف شده است.» با اینکه قانون مدنی افغانستان در ماده «۶۴»، نامزدی را وعده ازدواج معرفی کرده است، اما در ماده «۷۵۵» همان قانون مقرر کرده است که منظور قانون‌گذار از وعده در متن قانون، یک وعده اخلاقی و بدون اثر حقوقی نیست؛ بلکه مقصود این است که وعده دهنده، در مواردی، براساس ماده فوق، ملزم به وفاست.

ماده یاد شده مقرر کرده است: «وعده دهنده تا وقتی که وفات نه نموده یا مفلس نگردیده است، بایفای وعده مکلف می‌باشد.» وقتی این ماده را کنار ماده «۶۴» قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که قانون‌گذار افغانستان نیز در قانون مدنی، طرفدار نظریه‌ی علی الاطلاق مسئولیت مدنی به هم‌زننده‌ی توافق نامزدی است.

از ملاک ماده «۷۵۶» ق. م. ا. نیز می‌توان، الزام به هم‌زننده نامزدی را به جبران خسارت ناشی از به هم زدن نامزدی، استنباط نمود؛ زیرا ماده فوق مقرر داشته است: «شخصی که در برابر انجام عمل معین به اعطای جایزه وعده کرده باشد، مکلف است جایزه وعده شده را به شخصی که آن را انجام داده است اعطا نماید، گرچه عمل بدون در نظر داشت وعده انجام شده باشد.»

از ماده فوق، نکات ذیل استفاده می‌شود:

اولاً: عمل انسان مالیت داشته و دارای ارزش است؛

ثانیاً: منظور از وعده در قانون مدنی وعده‌ی است که اثر حقوقی دارد و تا حدودی الزام آور می‌باشد؛

ثالثاً: هرچند عمل کننده به وعده به قصد رسیدن به جایزه معینه عمل را انجام ندهد بازهم صاحب وعده مکلف به اجرای وعده در حق وی می‌باشد. این مسئله نشان می‌دهد که اگر کسی مبتنی بر وعده‌ی دیگران کار یا عملی انجام دهد، وعده دهنده مسئول و ضامن هزینه‌های او خواهد بود.

نتیجه این بند این شد که چنانچه دختر نامزدشده، توافق نامزدی را به هم بزند و برای به هم زدن نامزدی دلیل موجه و عقلایی نداشته باشد، یا فقط از سر هوس و بی‌تعهدی به چنین اقدامی دست بزند، مسئول جبران تمام هزینه‌های است که طرف دیگر نامزدی به اتکا و امید ازدواج در آینده، انجام شده است؛ زیرا وعده‌دادن‌ها و امید ایجاد کردن‌های دختر نامزدشده بوده است که موجبات غرور زیان‌دیده را فراهم نموده و موجبات ضرهای مادی و معنوی وی را فراهم نموده است؛ یعنی قاعده‌ی لاضرر، تسبیب، غرور و

نظریه‌ی تقصیر، همگی بر جبران این خسارت‌ها از سوی وارد کننده زیان تأکید دارد (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق/ ۲۹: ص ۴۸؛ مراغی، ۱۴۱۷ق. / ۲: ص ۴۴۴؛ جزیری، ۱۴۱۹هـ.ق/ ۳: ص ۱۱۷).

فرض دیگر داستان نامزدی این است که پسری که اقدام به توافق نامزدی نموده است، بلاجهت یا از روی هوس و به صورت یکجانبه از توافق مذکور خارج گردد؛ چنانچه به هم‌زدن بی‌جهت نامزدی از سوی پسر صورت بگیرد، وی نیز ضامن خسارات مادی و معنوی است که دختر نامزدشده، به اتکا و امید به ازدواج با پسر مذکور، متحمل شده است؛ البته بر مبنای عرف و فرهنگ مردم افغانستان، ضرر مادی برای دخترانی که وارد توافق نامزدی می‌شوند و بلاجهت توافق نامزدی را به هم می‌زنند، تصور ندارد. زیرا دختر و خانواده‌اش از زمان خواستگاری تا زمان که به منزل شوهر می‌رود، یک توت نیز خرج نمی‌کند تا بر اثر برهم‌خوردن نامزدی، ضرر مادی متوجه وی گردد. بنابراین، تمام ضررهای که از به هم‌زدن نامزدی متوجه چنین دختری می‌شود، ضرر معنوی است؛ چون دختر با ورود به توافق نامزدی، تنها کاری که می‌کند این است که با اتکا و امید به وعده‌ی ازدواج در آینده، طرف دیگر نامزدی را در حریم خصوصی خود و خانواده‌اش راه می‌دهد، نامزدی‌اش را به مردم اعلان می‌نماید، فرصت انتخاب‌های دیگر را از دست داده و سالها در انتظار این شخص در خانه پدرش به امید عروسی می‌ماند و رنج کشیده آبروداری می‌نماید. تمام این موارد فوق، خسارت معنوی است و دختر در دوران نامزدی هیچ هزینه‌ای را متحمل نمی‌گردد.

نکته پایانی این که مطالبه کنندگان خسارت از به هم خوردن نامزدی، تنها طرفین نامزدی نیستند؛ بلکه تمام کسانی است که در دوران نامزدی متحمل هزینه شده و بعد از به هم خوردن نامزدی، زیان دیده‌اند؛ بنابراین، اگر دختری بدون علت موجه، نامزدی را به هم بزند، همزمان با پسری که یک طرف نامزدی است، اطرافیان وی نیز می‌توانند خسارات ناشی از به هم‌زدن نامزدی را از به هم‌زننده و در مواردی از پدر و مادر ایشان، مطالبه نمایند. در مقابل، آن‌ها نیز شرعاً و قانوناً ملزم به جبران خسارات فوق‌الذکر می‌باشند. چنانکه اگر پسر نامزدشده نیز زیان معنوی را به دختر یا خانواده‌اش وارد نماید، ضامن خسارات معنوی او و خانواده‌اش خواهد بود (مظهری، بی تا، ص ۵۶؛ احمد السنه‌وری، ۲۰۰۰م. ص ۵۵۰؛ محقق داماد، ۱۳۸۳ش. / ۱: ص ۳۵).

## ۲-۱-۱. قلین (به قول برخی اهالی مناطق هزارستان، «گله»)

در افغانستان رسم بر این است که وقتی شخصی به خواستگاری دختر کسی می‌رود، بعد از موافقت پدر دختر بر اصل ازدواج، امور اساسی دیگری نیز به تصویب نامزدها و خانواده‌های آنان می‌رسد؛ یکی از آن امور اساسی که مالی نیز می‌باشد، مسئله‌ی قلین یا گله است. قلین، مبلغی است که پدر دختر بدون هیچ دلیل منطقی و شرعی از پسر که به خواستگاری دختر او آمده است، می‌گیرد. گرفتن قلین از پسری که خواستگاری آمده است، به قدری جدی و مهم است که چنانچه یک ریال یا یک رویه آن کمتر از مبلغ

مورد توافق باشد، پدر دختر خواستگاری شده، وصلت متفق علیه را در لحظه به هم خواهد زد! البته باید توجه داشت مبلغی را که پدر دختر به عنوان قلین از خواستگار دریافت می‌کند بسیار زیاد و غیر از مهر، شیربها و پول تهیه جهیزیه می‌باشد. آخرین سقف متعارف قلین که فعلاً در بین اتباع افغانستان در ایران مرسوم است، مبلغ پنجاه تا صد و پنجاه میلیون تومان و در داخل افغانستان تا سه میلیون افغانی گزارش شده است.

مراجع عظامی که با این فرهنگ و عرف آشنا هستند، صراحتاً به حرمت اخذ قلین فتوا داده‌اند. مهمترین فتوا در این زمینه، فتوایی است که حضرت آیت‌الله العظمی مرحوم محقق کابلی، در این زمینه صادر فرموده است. ایشان فرموده است: «آنچه در بعضی بلاد، مرسوم است که مالی را از داماد به عنوان شیربها یا به عنوان دیگری می‌گیرند و به داماد می‌گویند تا فلان مبلغ را ندهی کار شما را راه نمی‌اندازم، حرام است و به منزله دختر فروشی است» (محقق کابلی، بی‌تا، مسئله ۶۵۲۸).

فتوای فوق، از مبنای فقهی و حقوقی قوی برخوردار است؛ زیرا این پول از نظر حقوقی و فقهی، مصداق استفاده بلاجهت (رحیمی، ۱۳۸۸، ص ۳۶ و ص ۱۵) یا دارا شدن غیر عادلانه محسوب شده و از همین جهت، شدیداً مورد نهی قرآن کریم نیز واقع گردیده است.

قرآن کریم در آیهی «۲۹» سور نساء فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.»

از استثناء متصل در آیه استنباط می‌گردد که دارا شدن اموال دیگران باید با سبب شرعی و قانونی باشد و چنانچه فردی مال دیگران را بی‌جهت به دست بیاورد، مالک آن نشده و تصرف در آن، مصداق اکل مال به باطل و حرام محسوب می‌گردد و تملک و تصرف در آن فاقد مجوز شرعی می‌باشد.

برخی از فقهای اسلامی نیز قاعده استفاده بلاجهت را از فقه با استفاده از برهان اولویت به دست آورده و بر طبق آن نظر داده است. ایشان معتقد است وقتی تصرف در مال غیر، بدون اذن یا ولایت بر او، جایز نباشد، پس به طریق اولی تصرف در مال دیگران بدون سبب شرعی جواز ندارد (صبحی، ۱۹۸۳ و ۱۹۷۲ م، ص ۹۳).

قلین، هم مصداق استفاده بلاجهت و داراشدن ناعادلانه به ضرر دیگران است و هم مصداق اکل مال به باطل محسوب می‌گردد؛ زیرا گرفتن قلین توسط پدر دختر، هیچ سبب شرعی و قانونی نداشته و می‌تواند مصداق سوء استفاده نابجا از موقعیت پدری نیز می‌باشد. بنابراین، پدر دختر اساساً مالک چنین پولی نمی‌شود و تصرف او به مبلغ که به عنوان قلین گرفته، ممنوع و نامشروع است. به هر حال، پس از به هم

خوردن نامزدی، پدر دختر، مکلف است چنین خسارتی را نسبت به زیان‌دیده جبران نماید؛ چنان که حق مطالبه قلین برای زیان‌دیده نیز محفوظ می‌باشد (مطهری، بی تا، ص ۴۸۰؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۳ هـ ق/ ۱: ص ۳۵۵).

از ملاک کلام زحیلی نیز که گفته است آنچه را خواستگار به عنوان مهر، در دوران نامزدی، به طرف دیگر نامزدی پرداخت می‌کند، می‌تواند مسترد نماید (زحیلی، بی تا/ ۹: ص ۶۵۰۹)،<sup>۳</sup> نیز می‌توان ممنوعیت گرفتن و تصرف در قلین را پس از به هم خوردن نامزدی ثابت کرد؛ زیرا وقتی مهر که می‌تواند سبب شرعی داشته باشد پس از به هم خوردن نامزدی قابل مطالبه باشد، مطالبه قلین که گرفتنش از اول سبب قانونی و شرعی نداشته است، به طریق اولی قابل مطالبه می‌باشد.

برخی از حقوق‌دانان مسلمان تصریح دارند که اگر زوج گوسفند یا باغی را به عنوان مهر در زمان نامزدی به نامزدش پرداخت نموده باشد، می‌تواند پس از انحلال نامزدی گوسفند و باغ پرداخت شده را با نمائاتش از گیرنده مطالبه نماید، زیرا سبب مهر که عقد ازدواج بود محقق نشده و بعد از انحلال نامزدی، بودن مهر در دست زوجه، بدون سبب شرعی روا نمی‌باشد؛ بنابراین، گیرنده‌ی گوسفند و باغ پس از به هم خوردن نامزدی، ملزم به استرداد آن‌ها با تمام منافعش می‌باشد (الصابونی، ۱۹۷۹ م: ص ۲۲).

## ۱-۲. خسارت‌های معنوی ناشی از به هم زدن نامزدی

خسارت‌های ناشی از به هم زدن نامزدی، شامل خسارات مادی و معنوی می‌شود و زیان‌دیده که غالباً پسرهای نامزدشده هستند، پس از به هم خوردن نامزدی، می‌توانند تمام خسارات مادی و معنویشان را از نامزد مقصر که اغلب دختران نامزدشده هستند، مطالبه نمایند. البته زیان‌زننده نیز به محض مطالبه زیان‌دیده، ملزم به جبران خسارات وارده بر زیان‌دیده می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ ق. ص ۴۸؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ص ۳۴؛ احمدی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۲).

چنان که اگر به هم‌زننده‌ی بلاجهت توافق نامزدی، پسر نامزدشده باشد، بسیار منصفانه و عادلانه است که خسارت رنج کشیدن‌ها، منتظرماندن‌ها و فرصت از دست دادن‌های عروس را جبران نماید. صابونی، حقوق‌دان اهل سنت، در این زمینه نوشته است: «گاهی، به هم خوردن نامزدی، ضررهای را به دنبال دارد؛ زیرا در مواردی، دوران نامزدی، سال‌های متممادی طول می‌کشد و در این دوران اتفاق می‌افتد که پسر از نامزدش می‌خواهد که ترک تحصیل نماید یا شغل کارمندی‌اش را ترک نماید و گاهی نیز دختری که

۳. «أما ما قدمه الخاطب من مهر: فله أن يسترده، سواء أكان قائماً أم هالکاً أم مستهلكاً، وفي حال الهلاك أو الاستهلاك يرجع بقيمته إن كان قيمياً، وبمثله إن كان مثلياً، أياً كان سبب العدول، من جانب الخاطب أو من جانب المخطوبة. وهذا متفق عليه فقهاً».



خواستگاری پسری را قبول می‌کند، فرصت خواستگاری دیگران نسبت به خودش را از دست می‌دهد» (الصابونی، ۱۹۷۹م: ص ۲۴؛ احمد السنهوری، ص ۹۷۰).

در بین مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، زیاد اتفاق افتاده است که دختران، به محض شروع نامزدی، توسط نامزدش از مدرسه رفتن منع شده و فرصت‌های تحصیلی را از دست داده‌اند؛ چنان که نامزد شدنشان نیز، فرصت انتخاب همسر دلخواه غیر از نامزد فعلی را نیز از آنان گرفته است.

برای جلوگیری از چنین اجحافی، قانون مدنی افغانستان در بند «۱» ماده «۷۷۸» بر جبران خسارات معنوی نیز تصریح نموده و مقرر داشته است: «جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد.»

تعیین میزان خسارت‌های معنوی، بر اساس ماده «۷۷۹» ق. م. ا. که مقرر کرده است: «محکمه جبران خساره را به تناسب ضرر عاید تعیین می‌نماید، مشروط بر اینکه ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر نشأت کرده باشد»، به نظر قاضی با صلاحیت واگذار شده است. دادگاه طبق قسمت اول ماده «۷۸۱» همان قانون، میزان خسارت معنوی را با رعایت شرایط شخص زیان‌دیده و جایگاه اجتماعی و خانوادگی وی، تعیین خواهد کرد؛ زیرا در ماده مذکور مقرر شده است: «طریقه جبران خساره بارعایت احوال از طرف محکمه تعیین می‌گردد.»

#### ۱-۲-۱. شکست روحی

براساس اجماع فقهای امامیه و اتفاق حقوق‌دانان تابع فقه امامیه، تصریح قانون احوال شخصیه افغانستان، فقه حنفی و اتفاق حقوق‌دانان تابع فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان، توافق نامزدی صرفاً یک وعده به ازدواج در آینده است و به هیچ عنوان، علقه‌ی زوجیت ایجاد نمی‌کند؛ با وجود که هیچ محرّمیتی با توافق نامزدی ایجاد نمی‌شود، نامزدها در جامعه‌ی اسلامی با توافق نامزدی معامله‌ی عقد ازدواج را می‌نمایند. زیرا عصر ما عصر تأثیر پذیری از فرهنگ غرب و بی‌گانگی با گزاره‌های وحیانی و رفتارهای ایمانی است. به همین جهت نامزدها به تنهایی به سفر می‌روند، پیام‌های عاشقانه، عکس و فیلم بین هم‌دیگر رد و بدل می‌کنند، بدون حضور محارم با هم می‌نشینند و رابطه‌ی صمیمی برقرار می‌نمایند. رفتارهای که پس از به‌هم‌خوردن نامزدی خسارت‌بار بودنش برای نامزدها به ویژه برای دختران، نمایان می‌گردد.

از دیگر خسارات مهمی که در عصر ما پس از به‌هم‌خوردن نامزدی برای پسر خود را نشان می‌دهد، تقدیم هدایای گران‌قیمت به دختر، صرف هزینه‌های بی‌حساب و کتاب در دوران نامزدی، شهره شهر شدن نامزدی، پرداخت قلین‌کدای به پدر دختر است. بزرگ‌ترین خسارت معنوی که پس از به‌هم‌خوردن

---

۴. قد یترتب علی العدول عن الخطوبة بعض الاضرار، فقد تستمر الخطوبة سنوات مثلاً، أو يطلب الخاطب من مخطوبته ترک دراستها أو الاستقالة من وظيفتها، و قد يفوت الخاطب علی خطيبته خطاباً آخرین.

نامزدی توسط دختر، برای پسر به وجود می‌آید، شهره شدن نامزدی پسر است؛ زیرا نامزد شدن پسر را نشان‌دار نموده و در جرگه متأهلان قرار می‌دهد؛ به نحوی که عرف مردم چنین مردی را به مثابه مرد زن‌دار محسوب می‌نمایند و کسی نسبت به ازدواج با وی رغبت نمی‌کند؛ بی‌رغبتی زنان نسبت به او، وی را دچار شکست روحی خواهد نمود. زیرا این مسئله خواهی نخواهی، آثار مخربی بر روان و شخصیت او به جا می‌گذارد و تا آخر عمر وی را گوشه‌گیر می‌نماید. البته ممکن است برهم‌زدن نامزدی از سوی دختر نیز پسر را به همین وضعیت دچار نموده و خسارات بزرگ روحی - روانی بر وی تحمیل نماید. از دست رفتن اعتماد به نفس، سرخوردگی، بی‌میلی به ازدواج، تنفر از مردان و بی‌اعتمادی نسبت به آنان و از دست دادن فرصت ازدواج، از پیامدهای مهم انحلال نامزدی است که به‌هم‌زننده نامزدی به دختر وارد می‌نماید. بنابراین، قاعده انصاف و عدالت، فقه و قانون، همگی بر این امر تأکید دارد که چنین خساراتی باید از سوی به‌هم‌زننده نامزدی، جبران گردد (نجفی، ۱۴۰۴ق. ص ۴۸؛ احمدی، ص ۱۱۲؛ جزیری، ص ۱۱۷؛ احمد السنهوری، ص ۹۳۷).

#### ۲-۲-۱. از دست دادن فرصت ازدواج با دیگران

تجربه‌ی میدانی نشان‌داده است که در زمانه‌ی ما درصد زیادی از نامزدی‌ها به ازدواج ختم نمی‌شود؛ زیرا در اکثر موارد و بعد از ایجاد روابط صمیمانه و گاه خارج از قید و بند شرعی و قانونی بین نامزدها، توافق نامزدی، بدون دلیل منطقی به هم می‌خورد. بعد از انحلال نامزدی پشیمانی، آسیب‌های حیثیتی و از دست دادن فرصت ازدواج نصیب دختر و خانواده‌اش شده و داماد توان مالی‌اش را تماماً از دست می‌دهد. به خاطر همین خسارات قابل توجه است که فقه امامیه، قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان فردی که با سوء استفاده از حق و بدون علت موجه نامزدی را به هم می‌زند و سبب خسارات مذکور می‌شود را مسئول و ضامن دانسته و ملزم به جبران می‌داند.

ماده «۷۸» قانون احوال شخصیه‌ی شیعیان افغانستان که متخذ از فقه امامیه است، در این مورد به صراحت مقرر کرده است: «هرگاه یکی از نامزدان، قرارداد نامزدی را بدون دلیل قانونی و یا عذر موجه بعد از قبولی، فسخ کند، مکلف به پرداخت مخارج ضروری می‌باشد که برای مقدمات ازدواج از جانب مقابل به اعتبار وقوع ازدواج مصرف شده است.»

گرچند ماده‌ی فوق تنها سخن از جبران خسارات مادی به میان آورده است، اما حکم به جبران خسارات مادی را معلول علتی دانسته است که علت مذکور، در لزوم جبران خسارات معنوی نیز جریان دارد؛ قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده یاد شده، برای لزوم جبران خسارات مادی چنین استدلال نموده است: «چون مخارج مذکور به اعتبار وقوع ازدواج انجام شده است.»

عین همین استدلال در از دست دادن فرصت ازدواج که خسارت معنوی است نیز جریان دارد؛ زیرا دختری که به خواستگاری پسری، جواب مثبت می‌دهد، یقیناً فرصت ازدواج با دیگران را از دست می‌دهد. حال که پسر، بدون دلیل موجه نامزدی را به هم‌زده و مرتکب تقصیر گشته است، ملزم به جبران خسارت معنوی فرصت از دست رفته وی نیز می‌باشد.

تعبیر زحیلی، نمای کلی است از نگاه فقه حنفی به جبران خسارت پس از به هم خوردن نامزدی: «متأسفانه فقهای قدیم اهل سنت در مورد جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از به هم‌زدن نامزدی تصریحی ندارند؛ اما تردیدی نیست که تهیه وسایل منزل، لباس، منع دختر از شغل و تحصیل، تفویت فرصت ازدواج با شخص دیگر و لطمه وارد کردن به شهرت نامزدها خساراتی است که به مجرد عدول از نامزدی که در مواردی ممکن است تا چهار سال طول بکشد، به بار می‌آید. لکن فقه معاصر با توجه به قواعد عمومی شریعت، مثل قاعده حرمت غرر و ضمان آوردن آن و قاعده لاضرر و لا ضرار و قواعد تابعی که بر لاضرر استوار است، مانند قاعده سوء استفاده از حق که مالکیه و حنابله نیز به آن عمل نموده و حنفیه فقط در مورد همسایه بالا و پایین آن را مجری می‌داند، می‌توان مسئولیت ناشی از نامزدی را اثبات نمود» (زحیلی، بی تا، ص ۶۵۱).

قانون مدنی افغانستان نیز در بند «۱» ماده «۷۷۸» بر جبران خسارات معنوی تصریح نموده و مقرر می‌دارد که: «جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد.»

و در بند «۲» همان ماده مثال جالبی زده و مقرر کرده است: «اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به جبران خساره حکم نماید.»

بنابراین، هرگاه دختری بر اثر به هم‌زدن نامزدی بدون علت موجه طرف دیگر نامزدی، در میان هم‌قطاران و فامیل‌اش تحقیر گردد، فرصت ازدواج با دیگران را از دست بدهد، به آبروی خانوادگی‌اش لطمه وارد گردد، می‌تواند از به هم‌زننده‌ی توافقی نامزدی، مطالبه خسارت نماید و زیان‌های متحمل شده را تا حد معقول، جبران نماید.

## ۲. استرداد هدایا

بعد از جواب مثبت توسط دختر خواستگاری شده یا خانواده‌ی وی، داماد و اطرافیان ایشان به هدف تألیف قلب دختر و خانواده‌اش، هدایای را به عروس و گاه به اطرافیان وی تقدیم می‌نمایند؛ بخش قابل توجهی از خسارات مادی که پس از بهم‌زدن نامزدی به داماد و خانواده‌ی وی وارد می‌گردد، همین هدایای است که توسط آن‌ها خریداری شده و هدیه داده می‌شود. در هر صورت، براساس ماده «۷۹» ق.ا.ش. است. و ماده «۶۵» ق.م.ا. پس از به هم خوردن نامزدی، تحت شرایطی، هر یک از نامزدها می‌تواند به طرف

دیگر رجوع نموده و هدایای را که به طرف دیگر و اطرافیانش داده است، پس بگیرد. به اعتقاد حقوق دانان نیز، هدیه‌ی دوران نامزدی وضع متفاوتی با هبه داشته و یقیناً به قصد وصلت منظور داده می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۵ش. ص ۳۶).

یعنی نامزدی که به طرف دیگر نامزدی، هدیه می‌دهد، آن را به شرط وقوع ازدواج در آینده داده و طرف مقابل نیز هدیه را با همین شرط، قبول می‌نماید؛ هدیه‌ی مشروط، در صورت عدم تحقق شرط، قابل استرداد می‌باشد.

توافق دو طرف در باره هدایای نامزدی، چه صریح و چه ضمنی، به نوع هدیه نیز بستگی دارد و قانونگذار برای هر یک از هدایایی که مصرف شدنی است یا عادتاً نگهداری می‌شود، حکم خاصی را مقرر نموده است؛ یعنی حقوق دانان، هدایای مصرفی را غیر قابل استرداد و هدایای غیر مصرفی را قابل استرداد می‌دانند. با وجود این، ما در باب مسئولیت مدنی ناشی از به هم زدن نامزدی، به این باور هستیم که تفاوتی بین هدایای مصرفی و غیر مصرفی وجود نداشته و هر دو قابل استرداد می‌باشد؛ زیرا از مبانی مسئولیت مدنی مانند تسبیب، لاضرر، اتلاف و... چنین تفصیلی به دست نمی‌آید. در هر حال، از یک سو فقه اسلامی هدیه را از مصادیق هبه دانسته و از سوی دیگر در هدایای نامزدی و استرداد آن، قواعد هبه تماماً تطبیق و اجرا نمی‌گردد؛ از همین رو بحث استرداد هدایای دوران نامزدی را از دیدگاه فقه امامیه و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان و فقه حنفی و قانون مدنی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. زیرا بسیار بایسته است که پس از بحث لزوم جبران خسارات ناشی از به هم زدن نامزدی، وضعیت فقهی - حقوقی استرداد هدایای که در دوران نامزدی بین نامزدها و اطرافیان آن‌ها رد و بدل شده است را از نظر فقه امامیه، قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، فقه حنفی و قانون مدنی افغانستان کاملاً مشخص نماییم.

## ۱-۲. استرداد هدایا از دیدگاه فقه امامیه و قانون احوال شخصیه افغانستان

فقه‌های امامیه، هدایای دوران نامزدی را از مصادیق هبه دانسته و معتقداند تا زمانی که موانع رجوع از هبه به وجود نیامده است، واهب می‌تواند عین موهوبه را مسترد نماید؛ بنابراین، ما باید موانع رجوع از هبه را در اینجا کاملاً بشناسیم. موانعی که مانع رجوع از هبه می‌شود، امور ذیل است:

۱- ذوی الارحام بودن موهوب‌له؛ هبه به زوج از طرف زوجه و بالعکس، هبه به غیر محارم به شمار آمده و از این جهت مانعی برای استرداد هدایای نامزدی وجود ندارد (جزیری، ۱۴۱۹هـ.ق: ص ۳۶۵).

۲- تلف شدن عین هبه؛ در فقه امامیه تلف چه جزئی باشد یا کلی، مانع رجوع از هبه دانسته شده است.

۳- معوض بودن هبه؛

۴- قصد تقرب داشتن در هبه و صدقه محسوب شدن آن؛

۵- فوت یکی از طرفین عقد هبه (خمینی، بی تا: ص ۱۷).

قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان که تابع فقه امامیه است در رابطه با وضعیت هدایای نامزدی، در بند «۱ و ۲» ماده «۷۹» مقرر کرده است: «عین، مثل یا قیمت هدایا، در صورت فسخ قرارداد نامزدی، تحت شرایط ذیل قابل استرداد می‌باشد:

- ۱- در صورت که هدایای مصرفی تا قبل از فسخ قرار داد نامزدی، مصرف نشده باشد؛
  - ۲- در صورت که هدایای غیر مصرفی که عرفاً نگهداری می‌شود، تلف نشده باشد؛
  - ۳- تلف هدایای غیر مصرفی با تقصیر، گیرنده‌ی هدیه، همراه باشد؛
  - ۴- در صورت فوت یکی از نامزدان، هدایای مصرفی که به مصرف رسیده باشد، قابل مطالبه نمی‌باشد.»
- با توجه به سه بند اول ماده‌ی فوق، مطالب زیر قابل استنباط است:
- ۱- پس از به هم خوردن نامزدی، هریک از نامزدها و اطرافیان آنان می‌توانند، عین اموالی را که به عنوان هدیه به طرف مقابل یا ابوبین او داده‌اند، در صورت موجود بودن مسترد نمایند؛
  - ۲- چنانچه عین هدایا موجود نباشد، دو حالت زیر متصور است:  
الف: هدایا از اموالی است که عادتاً قابل نگهداری نیست؛  
ب: هدایا از اموال قابل نگهداری است.
- در صورت اول قیمت آن قابل مطالبه نبوده و در صورت دوم باز هم دو صورت قابل تصور است:
- صورت اول: هدیه با تقصیر هدیه‌گیرنده تلف شده باشد؛
- صورت دوم: عین موهوبه بدون تقصیر وی تلف شده باشد.
- در صورت دوم قیمت موهوبه نیز قابل مطالبه نبوده و در صورت اول دو حالت تصور دارد:
- الف: برهم خوردن نامزدی به علت فوت یکی از نامزدها بوده است؛
- ب: انحلال نامزدی به علت فوت یکی از آنان نبوده است.
- در صورت اول، قیمت قابل مطالبه نیست و در حالت دوم، قیمت قابل مطالبه است.
- با توجه به تفاوتی که بین قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان و نظر فقهای امامیه در زمینه هبه وجود دارد، سؤالات زیر قابل طرح بوده که ذیلاً آنه را بیان و مختصراً پاسخ می‌دهیم:
- ۱- با توجه به اینکه فقه امامیه، هدایای نامزدی را از مصادیق هبه می‌داند، چرا این هدایا پس از تلف قابل استرداد دانسته شده است، با آن که مال موهوبه پس از تلف قابل رجوع نیست؟
- جواب پرسش فوق این است که هدیه دهنده در توافق نامزدی، هدایای که عادتاً قابل نگهداری است (مانند طلا و زیور آلات) را، به شرط وقوع عقد ازدواج در آینده، به طرف دیگر نامزدی و یا اطرافیان او می‌دهد و به هیچ وجه هدیه‌ی او به نحو مطلق اهدا نمی‌گردد. بنابراین، در صورت عدم تحقق موانع رجوع

از هدیه، هدیه‌ی نامزدی در فرض فوق، قابل مطالبه و استرداد می‌باشد (طاهری، ۱۴۱۸ق. ص ۵؛ حلی (محقق)، ص ۲۳۷).

۲- چرا قانون مذکور بین اموالی که عادتاً نگهداری می‌شود و اموالی که عادتاً نگهداری نمی‌شود، از نظر جواز استرداد و مطالبه، تفاوت قائل شده است؟

در جواب این سؤال نیز می‌توان گفت از آنجائی که اصل اولی در مورد هدیه‌ی مواد خوراکی و مصرفی، بر مصرف و عدم نگهداری آن‌ها می‌باشد، چنین هدایای از همان ابتدا به نحو منجز، به موهوب، تملیک می‌گردد و موهوب از ابتدا مالک این نوع هدایا می‌گردد؛ به همین جهت، این نوع هدایا، در صورت مصرف، قابل استرداد نمی‌باشد (میرزای قمی، ۱۴۱۳هـ.ق: ص ۴۰۲).

۳- به موجب مفهوم بند «۲» ماده «۷۹» ق.ا.ش.ش.ا. چنانچه نامزدی به علت فوت یکی از طرفین به هم بخورد و عین هدیه نیز، موجود باشد، هدیه، قابل استرداد است؛ در حالی که به موجب فقه امامیه، بعد از فوت واهب یا متهب، اموال موهوبه قابل رجوع نمی‌باشد؟

پاسخ این پرسش نیز این است که در فرض مذکور، هبه از اول به صورت مشروط انجام گرفته است نه مطلق؛ به عبارت روشن‌تر، هبه در این فرض، به این قصد به طرف دیگر نامزدی داده است که او انشاءالله زنده می‌ماند و وصلت نیز صورت می‌گیرد؛ و چون وصلت در اثر فوت طرف مقابل انجام نگرفته است، هبه‌کننده حق استرداد هدایا را بر مبنای شرط مذکور، پیدا می‌کند.

نتیجه‌ی این که هدایائی که عرفاً قابل نگهداری می‌باشد، به صورت مشروط به طرف دیگر نامزدی پرداخت می‌گردد و گیرنده هدیه نیز با همین شرط ضمنی آن را قبول می‌نماید. بر مبنای همین شرط است که عرف، گیرنده‌ی هدیه را مکلف به نگهداری آن می‌داند. به عبارت دیگر، تحلیل دقیق اراده‌ی نامزدها، مشروط بودن هدیه را تأیید می‌کند؛ زیرا قصد نامزدها در زمان هدیه تملیک بدون قید شرط موهوبه نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ص ۵۲). یعنی در سویدای دل نامزدها این امر بوده است که اگر توافق نامزدی به ازدواج منتهی نشد، آنها حق دارند هدایای رد و بدل شده میان‌شان را مطالبه و مسترد نمایند.

بنابراین، چون هدایای مصرف‌شدنی و قابل نگهداری، به شرط وقوع نکاح در آینده داده می‌شود، پس از به هم خوردن نامزدی و موجود بودن عین هدیه، موهوب‌له ملزم است عین هدایایی که موجود است و یا مثل یا قیمت هدایایی را که با تقصیر تلف کرده است می‌باشد (مستفاد از بند «۱» ماده «۷۹» ق.ا.ش.ش.ا. ص ۵۲).

با وجود این، چنانچه نامزدی به علت فوت یکی از نامزدها به هم بخورد، برخلاف این قاعده حقوقی، حق رجوع به قیمت هدایای مصرف‌شدنی که در اثر تقصیر نامزد تلف شده، به طرف مقابل داده نشده است؛ زیرا در بند «۲» ماده «۷۹» ق.ا.ش.ش.ا. به صورت مطلق، مقرر شده است:

«در صورت فوت یکی از نامزدان، هدایای مصرفی که به مصرف رسیده باشد، قابل مطالبه نمی‌باشد.»  
به عبارت دیگر، گرچه هدایای که عرفاً مصرف شدنی است، به شرط وقوع نکاح در آینده داده می‌شود و قاعدتاً وقتی سبب هدیه از بین می‌رود حتی اگر مصرف شده باشد نیز باید قابل استرداد باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۵ ش. ص ۳۷).

اما در دو مورد زیر چنین هدایای قابل استرداد نمی‌باشد:

الف: هرگاه نامزدی، بعد از مصرف شدن هدایای مصرفی، به هم بخورد (مستفاد از قسمت اول بند «۱» ماده فوق)؛

ب: زمانی که نامزدی بر اثر فوت یکی از نامزدها پایان یابد (مستفاد از بند «۲» ماده فوق).

زیرا هدیه دهنده در زمان اهدای این نوع هدایا، قصد تملیک هدیه را به موهوبه داشته و از همان ابتدا می‌خواسته است که نامزدش آن‌ها را مانند هر مالک دیگر، به صورت دلخواه به مصرف برساند؛ موهوبه نیز به همان قصد، هدایای مصرفی را قبول کرده است. با وجود این، هرگاه پس از به هم خوردن نامزدی، عین هدایای مصرفی باقی باشد، هدیه دهنده می‌تواند آن‌ها را مطالبه و استرداد نماید؛ زیرا، چنان که گفته شد هدیه از انواع هبه است و «بعد از قبض نیز واهب می‌تواند با بقاء عین موهوبه، از هبه رجوع نموده و آن را مسترد نماید».

## ۲-۲. استرداد هدایای نامزدی از دیدگاه فقه حنفی و قانون مدنی

فقه‌های حنفی و قانون مدنی نیز هدایای دوران نامزدی را مصداق هبه دانسته و معتقداند که واهب حق دارد تازمانی که موانع رجوع از هبه تحقق نیافته به موهوبه مراجعه نماید و آن را از وی بازستاند؛ موانع هبه از نظر فقه‌های حنفی و قانون مدنی امور زیر است که به صورت خلاصه تبیین می‌گردد:

۱- ایجاد زیادی متصل در عین موهوبه که در افزایش قیمت آن مؤثر باشد؛ اما زیادی منفصل مانع رجوع در هبه نمی‌باشد. بنابراین، اگر واهب، گاب ماده‌ی را به کسی هبه کند و آن گاب گوساله بزاید، واهب می‌تواند به گاب رجوع نموده و آن را استرداد نماید، نه به گوساله (جزیری، ۱۴۱۹ق: ص ۳۵۹).<sup>۵</sup>

۲- فوت یکی از طرفین عقد هبه؛ ماده «۱۲۰۶» ق.م.ا. در این زمینه مقرر داشته است: «هرگاه یکی از طرفین عقد هبه، بعد از قبض آن فوت نماید، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد».

۳- معوضه بودن هبه؛ این مانع در ماده «۱۲۱۱» ق.م.ا. چنین منعکس شده است: «هرگاه هبه به مقابل عوض صورت گرفته باشد، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد، مشروط بر اینکه عوض در برابر قسمتی از

---

۵. «أما الزيادة المنفصلة فإنها لا تمنع الرجوع في أصل العين، فإذا أهدى له بقرة فولدت كان له حق الرجوع في البقرة لا في الولد».

موهوبه قرار داده نشده باشد. اگر عوض به استحقاق برده شود واهب رجوع کرده می‌تواند مشروط بر اینکه به موهوبه زیادتی که مانع رجوع شود یا مانع دیگری، موجود نگردد».

۴- زوجیت: ماده «۱۲۰۸» ق.م.ا. «هرگاه هبه بین زوجین صورت گرفته باشد، رجوع از آن جواز ندارد، گرچه بعد از هبه در بین آنها تفریق واقع شده باشد.» فقه حنفی زوجیت را مانع رجوع دانسته و لذا فقهای حنفی چنین فتوا داده است:

«فإذا وهب الزوج لزوجته شيئاً فإنه لا يصح له الرجوع فيه، أما إذا وهب لها قبل أن يتزوج بها ثم تزوج فإن له الرجوع»؛

هرگاه زوج چیزی را به زوجه هبه دهد، حق رجوع نخواهد داشت؛ اما چنانچه زوج قبل از ازدواج با همسرش، چیزی را به وی هبه کند و بعد از هبه با او ازدواج نماید، حق رجوع به هبه را خواهد داشت (همان).

۵- قرابت: ماده «۱۲۰۹» ق.م.ا. در این مورد مقرر نموده است:

«هرگاه هبه بین اقارب محرم واقع شده باشد، رجوع در آن جواز ندارد.»

مثال این مورد در فقه حنفی چنین بیان شده است:

«فإذا وهب لأبيه أو ابنه أو أخيه أو عمه أو غير ذلك من محارمه بالنسب فإن حقه في الرجوع يسقط؛

هرگاه شخصی چیزی را به پدر، فرزند، برادر، عمه و سایر محارم نسبی‌اش، هدیه نماید، حق رجوعش ساقط می‌گردد» (همان).

۶- تلف: تلف عین موهوبه یکی دیگر از موانع رجوع است؛ در این صورت چنانچه واهب، مدعی بقا و موهوب‌له، منکر بقای آن باشد، منکر، قسم می‌خورد و با تراضی یا حکم دادگاه، رجوع او به هبه میسر می‌گردد. ماده «۱۲۱۰» در بند «۱» در این زمینه مقرر داشته است:

«هرگاه عین موهوبه تلف گردد یا از بین برده شود، حق رجوع در آن ساقط می‌گردد.»

و در بند «۲» همان ماده مصوب شده است که اگر موهوبه دو جزء مجزا از هم داشته باشد و در یک جزء آن تصرف یا اتلاف صورت گرفته باشد، واهب حق رجوع در قسمت دیگر را دارد؛ متن بند مذکور چنین است:

«اگر هلاک یا اتلاف شامل یک قسمت از عین مذکور باشد، رجوع در مقدار باقیمانده جواز دارد.»



۷- ماده «۱۲۱۳» ق. م. ا. مانعی دیگری را برای رجوع از هبه ذکر کرده است که در فقه حنفی از آن نام برده نشده است. مانع یاد شده این است که اگر انگیزه واهب از هبه، صدقه و ثواب آخری باشد، حق رجوع از او ساقط می‌گردد. ماده مذکور مقرر کرده است:

«هرگاه هبه به صفت صدقه یا به منظور خیر صورت گرفته باشد، رجوع در آن جواز ندارد.»

هبه به نیت صدقه یا به انگیزه‌ی خیر و نیکی (انفاق در راه خدا)، همواره به قصد ثواب انجام می‌گیرد. قانون‌گذار افغانستان در مورد این مانع، از فقه مالکی تبعیت کرده که با فقه امامیه نیز هماهنگی کامل و بنیادین دارد (برای تفصیل مطلب: جزیری، ۱۴۱۹ق: ص ۳۶۲).

با توجه به مطالبی که از فقه حنفی و اکثر مواد قانون مدنی، در مورد هدیه، مطرح گردید، فهم ماده «۶۵» ق. م. ا. سهل‌تر می‌گردد؛ در ماده فوق، مقرر شده است:

«هرگاه نامزد به نامزد خود هدیه داده باشد، هدیه دهنده می‌تواند در صورت انصراف جانب مقابل و موجودیت هدیه، عین یا قیمت روز خرید آن را مطالبه نماید. اگر انصراف از طرف هدیه دهنده صورت بگیرد یا هدیه هلاک و یا استهلاک گردیده باشد، رد آن را به هیچ صورت مطالبه کرده نمی‌تواند.»

به استناد ماده‌ی فوق، پس گرفتن هدایای نامزدی، پس از انحلال توافق نامزدی به دو شرط زیر قابل مطالبه است:

یکم: اینکه عین هدیه باقی باشد؛

دوم: اینکه عامل به هم‌زدن توافق نامزدی نیز گیرنده‌ی هدیه باشد.

نکته سومی که از ماده فوق استنباط می‌گردد این است که قانون‌گذار افغانستان از بین نظریات مطرح در باب مسئولیت مدنی ناشی از به هم‌زدن نامزدی، نظریه جبران خسارت به صورت مطلق را پذیرفته است. زیرا صرف به هم‌زدن نامزدی را تقصیر و سوء استفاده از حق برشمرده و از دلیل موجه و غیر موجه به هم‌زننده نامزدی حرفی به میان نیاورده است. به هر حال، صور زیر در تحلیل ماده فوق، قابل تصور است:

الف: در صورت به هم خوردن نامزدی، عین هدیه موجود است؛

ب: پس از به هم خوردن نامزدی، عین هدیه از بین رفته یا مصرف شده است.<sup>۷</sup>

در صورت دوم، استرداد هدایا منتفی است و صورت اول نیز دو صورت دارد:

۱- نامزدی از طرف هدیه دهنده به هم خورده است؛

۲- نامزدی از سوی گیرنده هدیه منحل شده است؛

۷. مثل اینکه انگشتر گم شود، طعام مصرف گردد و پارچه، لباس دوخته شود.

در فرض اول، هدایا قابل مطالبه نبوده و در صوت دوم، هدیه دهنده می‌تواند عین هدیه یا قیمت روز خرید آن را از گیرنده هدیه مطالبه نماید. قانون مدنی فوت نامزدها را مانع رجوع از هبه ندانسته و لذا تصریحی در این زمینه ندارد؛ چنانکه ماده یاد شده، هماهنگ با نظریه‌ی دوم،<sup>۸</sup> در باب نظریات مطرح در باب مسئولیت مدنی ناشی از به هم زدن نامزدی، صرف به هم زدن نامزدی را تقصیر و سوء استفاده از حق دانسته و موجب ضمان می‌داند.

### ۳. بحث تکمیلی

با توجه به مباحث گذشته، می‌توان گفت با اینکه فقه امامیه و فقه حنفی هدایای نامزدی را مصداقی از مصادیق هبه دانسته است، اما تمام شرایط و احکام هبه در هدیه‌های دوران نامزدی جاری نبوده و هدیه در این دوران، دارای احکام ویژه خود می‌باشد. با وجود این، واقع‌بینانه و منصفانه این است که فقه اسلامی را، در باب مسئولیت ناشی از به هم زدن نامزدی، خالی از نظریه بویا و بروز ندانیم و سعی کنیم نظریه‌ی بسیار مترقی، استوار بر مبانی فقهی و جامعی که در فقه اسلامی مطرح شده است را از متون فقهی استخراج نماییم. چنان که بیان شد، فقه امامیه و فقه شافعی، در مبحث هدایای نامزدی، بسیار به روز و مترقی عمل نموده است؛ این شافعی است که در باب استرداد هدایای نامزدی گفته است:

«و رأی الشافعية: أن للخاطب الرجوع بما أهداه؛ لأنه إنما أنفق لأجل تزوجها، فيرجع إن بقي، و ببدله إن تلف؛

نظریه‌ی شافعی این است که هدیه‌دهنده می‌تواند تمام هدایای که به دختر مورد خواستگاری و اطرافیانش داده است را مطالبه و مسترد نماید؛ زیرا او تمامی هدایا را به شرط اینکه در آینده ازدواج اتفاق بی‌افتد اهدا نموده است. بنابراین و بر اساس این شرط ضمنی، هدیه‌دهنده می‌تواند عین هدایای نامزدی را در صورت بقا و مثل یا قیمت آن را در صورت تلف، از طرف دیگر توافق نامزدی و اطرافیانش پس بگیرد (زحیلی، بی تا، ص ۶۵۱۰).

از اطلاق فتوای شافعی استنباط می‌گردد که در باب استرداد هدایای نامزدی، هیچ تفاوتی بین هدایای مصرفی و غیر مصرفی وجود نداشته و داماد می‌تواند کلیه هدایای پرداخت شده را عینا یا قیمتا از عروس و خانواده‌اش پس بگیرد.

فقهای شافعی معتقدند: داماد می‌تواند تمام آنچه را که به عروس و خانواده وی داده است، پس از به هم خوردن نامزدی، از آن‌ها مطالبه نموده و پس بگیرد؛ زیرا داماد، و احیانا، خانواده وی، آن‌ها را به نیت و اتکای وقوع عقد ازدواج در آینده به آن‌ها داده است و چون سبب هدیه دادن که وقوع عقد ازدواج در

۸. برای دیدن نظریات در مورد مسئولیت مدنی ناشی از به هم زدن نامزدی، به قسمت اول این مقاله رجوع نمایید.

آینده بوده است، از بین رفته است، او می‌تواند به عین آن‌ها در حال بقاء و به مثل یا قیمت آن‌ها در صورت عدم بقای هدایا، مراجعه نموده و آن‌ها را پس بگیرد.<sup>۹</sup> (احمد السنهوری، ۲۰۰۰م: ص ۹۳۷؛ مرقس، ۱۹۹۲م. ص ۳۶). مبنا و قاعده‌ی تسبیب که فقهای امامیه و حنفی آن را مطرح نموده‌اند نیز نظریه‌ی شافعی را تأیید می‌نماید. زیرا تسبیب، متلف را به صورت مطلق، ضامن می‌داند. بنابراین، فقهای امامیه، حنفی و شافعی استناداً به قاعده‌ی تسبیب مطلق هدایای نامزدی را قابل استرداد می‌دانند (حلی (محقق)، ۱۴۰۸ق: ص ۲۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق: ص ۱۶۵).

نظریه‌ی شافعی، در باب استرداد هدایا، یک نظریه‌ی بروز و فقه شافعی در باب استرداد هدایای نامزدی، یک فقه بروز و پویا ارزیابی می‌گردد؛ زیرا نظریه‌ی مذکور، هدایای نامزدی را به هیچ عنوان مصداق هبه ندانسته و آن را تابع احکام هبه نمی‌دانند. بنابراین، نظریه‌ی شافعی، می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز فعلی جوامع اسلامی در باب مسئولیت مدنی ناشی از به هم زدن نامزدی و به خصوص استرداد هدایای نامزدی تلقی گردد. علاوه بر این، اگر مثل شافعی معتقد باشیم که به هم زنده‌ی نامزدی مطلقاً وظیفه دارد که کلیه‌ی هدایای دوران نامزدی را مسترد نماید و کلیه‌ی مصارفی که داماد به اتکای ازدواج در آینده، متحمل شده است را پس بدهد، توافقات نامزدی پایدارتر می‌گردد و اکثر توافقات نامزدی به ازدواج ختم می‌شود (حیاتی، ۱۳۹۳: ص ۳۱).

اضافه بر آنکه نظریه‌ی شافعی می‌تواند جلو انحلال توافقات نامزدی را در جامعه بگیرد، نامزدها با احتیاط بیشتر، جدیت افزون‌تر و احساس مسئولیت خطیرتر، وارد توافقات نامزدی می‌گردد و در صورت به هم خوردن نامزدی هیچ خسارتی بدون جبران نمی‌ماند و عدالت در جامعه شکوفا می‌گردد.

نتیجه

۱- لزوم جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از به هم زدن نامزدی، مبتنی بر قواعد فقهی و حقوقی متعددی می‌باشد؛ زیرا تأکید قاعده‌ی «لاضَرَّ و لاَضِرَّ» تسبیب، سوء استفاده از حق، غرر و مبانی حقوقی، بر لزوم جبران خسارات ناشی از به هم زدن توافق نامزدی، بلا تردید است.

۲- نامزد خاطی، یعنی کسی که بدون علت موجه نامزدی را به هم می‌زند، ملزم به جبران خسارات معنوی و مادی که اثر مستقیم فعل او محسوب می‌گردد، می‌باشد.

۳- گرچه از منظر فقه امامیه و حنفی و نیز قوانین موضوعه‌ی افغانستان، مقصر به هم زدن توافق نامزدی ملزم به جبران خسارات مادی و معنوی زیان‌دیده بوده و تنها هدایای غیر مصرفی قابل استرداد می‌باشد، اما از منظر فقه پیشرو شافعی، تمام خسارات ناشی از به هم زدن نامزدی به صورت مطلق، قابل جبران است،

۹. از نظر شافعی، هدایای نامزدی به هیچ عنوان مصداق هبه نبوده و شرایط و احکام خاص خود را دارد.

چنان که از نگاه فقه مذکور، تمام هدایای نامزدی، اعم از مصرفی و غیر مصرفی قابل استرداد می‌باشد؛ به فتوای مترقی جناب شافعی توجه نمایید که گفته است: «أن للخاطب الرجوع بما أهداه؛ لأنه إنما أنفق لأجل تزوجها، فيرجع إن بقي، ويبدله إن تلف؛ پسر نامزدشده می‌تواند تمامی هدایی مصرفی و غیر مصرفی‌اش را از دختر نامزدشده، استرداد نماید؛ زیرا پسرها تمام مخارج و هدایا را به شرط اینکه دختر نامزدشده بعد از زنش بشود مصرف و به او و اطرافیانش اهدا می‌نماید. بنابراین، تمام هدایای باقی مانده را عینا و هدایای مصرف شده را قیمتا باز می‌ستانند.»<sup>۱۰</sup>

۴- از ضابطه‌ی که محقق حلی در باب مسئولیت مدنی مطرح کرده است، هماهنگی فقه امامیه با فقه شافعی در این زمینه قابل استنباط می‌باشد؛ زیرا ایشان فرموده است:

«و ضابطها ما لولاه لما حصل التلف؛

تسبیب در جائی محقق می‌شود که اگر عامل زیان نبود، ضرری به وقوع نمی‌پیوست» (حلی (محقق)، ۱۴۰۸هـ/۴: ص ۲۳۷).

به نظر نویسنده، فتوای جناب شافعی که با فقه امامیه هماهنگ می‌باشد، باید مبنای تنظیم قواعد حقوقی و وضع قوانین در کشور، در باب جبران خسارات ناشی از به هم زدن نامزدی و استرداد هدایای دوران نامزدی قرار گیرد. زیرا فتوای شافعی در باب مسئولیت مدنی ناشی از به هم زدن نامزدی، مفاد صریح منطق حقوق و قواعد عام مسئولیت مدنی و اصول عدالت قضایی نیز می‌باشد و نیاز جامعه امروزی نیز همین را اقتضا می‌کند.

۴- به نظر می‌رسد رواج نامزدی توأم با اجرای عقد موقت و صدور دفترچه نامزدی به وسیله نهادهای قانونی، می‌تواند دارای آثار مفید و مؤثر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی باشد. بنابراین، به پسران توصیه می‌گردد که تا زمان انجام مراسم عروسی، تن به عقد دائم ندهند؛ زیرا اگر عقد دائم خوانده شود و پس از آن نامزدی به هم بخورد، دختران مستحق نصف مهر و نفقه می‌شود و خلاصی از چنگال آنان دشوار می‌گردد.<sup>۱۱</sup> چنان که عدم اجرای عقد دائم، در صورت به هم خوردن نامزدی، به نفع دختران نیز می‌باشد؛ زیرا عقد دائم، پسران نامزدشده را بیشتر به حریم خصوصی دختران برده و کار را به جاهای باریک می‌کشانند و در صورت به هم خوردن نامزدی، دختر نامزدشده، در ردیف زنان بیوه قرار می‌گردد.

۵- از فواید دیگر دفترچه نامزدی سهل شدن اثبات عمل حقوقی نامزدی است.

۱۰. به نقل از: وهبه زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۹، ص ۶۵۱۰.

۱۱. ممکن است مصداق آش نخورده و دهن سوخته شود.

۶- تصویب قواعد قانونی در زمینه‌ی مسئولیت مدنی نامزدها، روابط نامزدی و استرداد هدایا، می‌تواند توافق نامزدی را استحکام، روابط نامزدی منظم و از روابط غیرقانونی، لجام گسیخته و بی‌پروا جلوگیری نموده و از خسارت‌های احتمالی جلوگیری نماید.

#### منابع

۱. احمد السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، منشورات حقوقی حلبی، بیروت، ۲۰۰۰م، چاپ سوم؛
۲. ابن سلیمان، مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، مترجم: شحاته، عبدالله، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳هـ، چاپ اول؛
۳. احمدی بهرامی، حمید، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۱۶، بی‌چاپ؛
۴. التویجری، محمد، موسوعة الفقه الإسلامی و ادلته، الطبعة الاولى، بیت الافکار الدولية، بیروت، ۲۰۰۹م، بی‌چاپ؛
۵. الصابونی، عبدالرحمن، قانون الاحوال الشخصية السوری فی الزواج و الطلاق، بی‌نا، دمشق، ۱۹۷۹م، بی‌چاپ؛
۶. امامی، حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، بی‌تا، بی‌چاپ؛
۷. بهرامی، احمد، ضمان قهری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۹۳، چاپ دوم؛
۸. جزیری، عبدالرحمن و دیگران، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت (ع)، دار التقلین، ۱۴۱۹هـ، چاپ اول؛
۹. حلی، حسن، (علامه) تذکرة الفقهاء (ط - القديمة)، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۳۸۸هـ، چاپ اول؛
۱۰. حلی، نجم‌الدین، (محقق حلی)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸هـ، چاپ دوم؛
۱۱. حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی ۵، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳، چاپ اول؛
۱۲. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، بی‌تا، چاپ اول؛
۱۳. رحیمی، حبیب‌الله، استفاده بلاجهت، مطالعه تطبیقی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸، چاپ اول؛
۱۴. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، بیروت، بی‌تا، چاپ چهارم؛
۱۵. صبحی، محمصانی، النظرية العامة للموجبات و العقود فی الشريعة الاسلامیة، دارالعلم، بیروت، ۱۹۸۳ و ۱۹۷۲م، چاپ دوم؛

۱۶. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵، چاپ دهم؛
۱۷. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۸هـ.ق، چاپ دوم؛
۱۸. طباطبایی، محمد کاظم، عروة الوثقی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ هـ.ق، چاپ اول؛
۱۹. طالب احمدی، حبیب، مسئولیت پیش قراردادی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲ش. چاپ اول؛
۲۰. کاسانی، علاء‌الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دارالکتب العلمیة، بی‌جا، ۱۴۰۶هـ.ق، چاپ دوم؛
۲۱. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم؛
۲۲. \_\_\_\_\_، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال، بی‌نا، قم، بی‌تا، چاپ اول؛
۲۳. محقق کابلی، قربانعلی، رساله توضیح المسائل با فهرست کامل و شرح کلمات، منعکس در: <http://www.mohaqq.org/fa/masael>
۲۴. مراغی، میرعبدالفتاح، العناوین الفقهیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷هـ.ق، چاپ اول؛
۲۵. مرقس، سلیمان، الوافی فی شرح قانون المدنی. فی الالتزامات فی الفعل الضار و المسئولية المدنیة، بی‌نا، قاهره، ۱۹۹۲م، چاپ اول؛
۲۶. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، بی‌نا، قم، بی‌تا، چاپ اول؛
۲۷. میرزای قمی، ابوالقاسم، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۴۱۳هـ.ق، چاپ اول؛
۲۸. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴هـ.ق، چاپ هفتم؛